

# آلات موسیقی افریقا

بازنمودی از هنر و زندگی  
بررسی نقش‌های نئی آلات موسیقی افریقا به عنوان اشیاء فرهنگی و هنری

انیتا آر. جونز  
ترجمه کیهان ولی‌نژاد



آلات موسیقی افریقا بخش مهمی از هر جامعه افریقایی را تشکیل می‌دهند. از روزگاران قدیم اهمیت آنها را در مؤلفه صوتی‌شان دانسته‌اند لیکن کارکردهای دیگری نیز دارند. امروزه آنها را بیشتر اشیاء هنری‌ای می‌دانند که به لحاظ زیبایی‌شناختی بینندگان و مخاطبین را به خود جلب می‌کنند و علاوه بر این، هر یک صاحب بافت اجتماعی‌ای هستند که باورهای آئینی، سیاسی و معمولی آن جامعه را منعکس می‌سازند. جوامع افریقایی هر ساز موسیقی را به لحاظ صدایی که تولید می‌کند، ادراک بصری اصوات و نمادهای آلات موسیقی، و تعاملی که بین آن و احساس انسان‌ها رخ می‌دهد، شناسایی می‌کنند. معمولاً بین صوت و آلاتی که آن را تولید می‌کند و احساسی که برمی‌انگیزد پیوند نزدیکی وجود دارد، و اغلب می‌توان موسیقی را با اصطلاحات بساواایی از قبیل زمختی، صافی و از این قبیل، تشخیص داد. در اینجا قصد من بر این است که نشان دهم این آلات موسیقی چگونه به عنوان اشیاء زیبایی‌شناختی و فرهنگی عمل می‌کنند.

## آلات موسیقی افریقا و بازنمودهای آنها در هنر و زندگی جوامع افریقایی مقدمه

آلات موسیقی افریقا به مثابه اشیاء زیبایی‌شناختی؟

چرا آلات موسیقی، با این که کارکرد اصلی‌شان در مؤلفه صوتی‌شان است، به عنوان اشیاء قلمداد می‌گردند؟ پاسخ در روند تغییر شکلی نهفته است که از آغاز ابداع آلات موسیقی تا اجراهای متعاقب‌اش صورت گرفته است. آنچه که من متوجه شدم این است که بسیاری از

سازندگان آلات موسیقی افریقا به اشکال مختلفی از بیان هنرمند خو گرفته‌اند بنابراین محصول نهایی شان غالباً حد اعلاى بازنمودهای فرهنگ‌های شان است. عوامل بسیاری در این تغییر شکل و دگرگونی دخالت دارند. به‌طور مثال، هنرمند باید نسبت به کاری که آغاز کرده است صادق و متعهد باشد، بدین معنی که آلات موسیقی را طوری بسازد که قادر به تولید صدا باشد. محصول او باید جیرینگ جیرینگ کند، ارتعاش به وجود آورد، صدای موزون تولید کند، صدای زیر بسازد و از این قبیل. پس او باید رابطه فیزیکی بین آلات موسیقی و نوازنده را از نظر دور نگه ندارد. این تصورات و عقاید به تنوع اندازه و جزئیات ساده‌آلات موسیقی منجر شد. از این‌رو هنرمند مقید شد تا برای ساختن آلات موسیقی از دستورالعمل‌های معینی پیروی کند. اما مهمترین نشانه این دگرگونی افزوده شدن اشیاء و نمادهای مرسوم به صورت تزئیناتی بر روی آلات موسیقی است. اینجاست که سازنده آلات موسیقی در کار خویش از نظام باورهای جامعه‌اش تأثیر می‌گیرد. به همین دلیل ساخت آلات موسیقی مستلزم آگاهی و وقوف کامل بر تمام وجوه جامعه افریقا است.

از آنجایی که نقش موسیقی افریقایی حضور چنین ملموس در فرهنگ جوامع افریقا دارد، پیوندهای بین نماد و آلات موسیقی مسلماً واقعی و انکارناپذیر است. ساز «ادوینی» یا طراحی این آلات موسیقی موضوع اصلی این مقاله است لیکن ابتدا باید نقش موسیقی و آلات موسیقی افریقایی را در جوامع افریقا ارزیابی کنیم.

### موسیقی در فرهنگ افریقا: نمادهای مختلف فرم

موسیقی در فرهنگ افریقایی، نسبت به فرهنگ‌های غربی، نقش مهمتر و فراگیرتری دارد. در بسیاری از فرهنگ‌های افریقایی موسیقی همچون زبان گویشی بین مردم ارتباط برقرار می‌سازد. در کارهای روزانه از جمله ارسال نامه‌ها و پیام‌ها و به دیگر شهرها و کشورها، یا در مراسم و اعلان جنگ‌ها، از موسیقی استفاده می‌شود. تأثیر متقابل موسیقی و حرکت در رویدادهای آئینی نیز درخور تأمل است. برای مثال، مرد قبیله یورو با رب‌النوع تندر را در مناسک شانگو تحسین می‌کند. آواز خواندن یا دست زدن به اندازه خود آلات موسیقی مهم است. پیش از شروع نواختن قطعات موسیقی تمرین‌های صورت می‌گیرد و این خود نشان می‌دهد که نوازنده تا چه حد در تأثیر قطعه مورد نظر بر بیننده سهم دارد. تفکر «رسانه یعنی پیام» را به وضوح می‌توان در فرهنگ افریقا مشاهده کرد. با این حال آنچه که واضح است این است که موسیقی افریقا و آلات آن در جوامع مختلف تفاوت دارد. برای شناخت آلات موسیقی افریقا، ابتدا باید جامعه‌ای که در آن شکل گرفته‌اند و ایده‌هایی که منتقل می‌کنند را شناخت.

### طبل‌های زندگی

طبل همچون آهن‌ریا است. همه را به خود جذب می‌کند. وقتی به سر و صدا درمی‌آید بیننده را از سکون به حرکت وامی‌دارد. ارتعاشات آن هسته هر اتمی را می‌لرزاند. انگیزه‌های ناگهانی- ای به وجود می‌آورد که هیچ احساسی را یارای مقاومت در برابرش نیست. طبل افسونگر است. چهره و صدایش روان انسان‌ها را فراخوانده و به بیداری و آرامش روحی می‌انجامد. طبل

همچون آهن ربا است.

طبل‌ها آلات موسیقی هستند که صدای موزون دارند. نواختن طبل در بسیاری از قبایل  
افریقایی نیاز به مهارت، آشنایی به شعر و دیگر جنبه‌های فرهنگی دارد. در قبایل نیجریه، طبل زن  
و طبل ساز اغلب خود استاد طبل زنی هستند. دلیل لزوم این هم تبحر، مسؤولیت سنگینی است  
که طبل زن بر عهده دارد.

«گاهی اوقات طبل زن چنان غرق در شیرینی ریتم موسیقی اش شده و جزئی از طبل می‌شود  
که تمام روح و روانش در سرشت طبل نوازی ادغام می‌گردد.» (اکروینا، صفحه ۹۶)  
برخی از کاربردهای طبل عبارتند از:

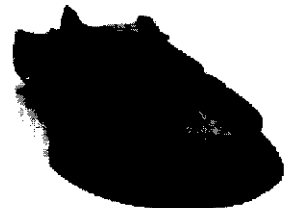
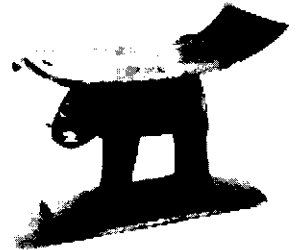
- برقراری ارتباط
- همراهی حرکات
- استمدادطلبی از پیشگویان
- فراخوانی مبارزان و تشویق آنها در جنگ
- و موارد دیگر

شاه طبل فانت از اوایل قرن بیستم از سوی «گروه‌های مردمی» (popular bands) در جنوب  
کشور غنا استفاده می‌شود. کار این گروه‌ها نواختن موسیقی در مراسم اجتماعی و به‌طور عمده  
سرگرم کردن مردم در جشن‌های عمومی است. آنها اغلب در عروسی‌ها، مراسم تدفین و جشن-  
ها به اجرای موسیقی می‌پردازند. «گروه‌های مردمی» این نوع طبل‌ها را مادر گروه می‌نامند.

در قبایل افریقایی، طبل زن باید به تاریخ اجتماعی و طبقات جامعه‌اش آگاهی بسیار داشته  
باشد و همین امر خود مایه احترام و اعتبار او در میان مردم است. برای مثال، در قبایل آکان، طبل-  
زنی که برای پیشگویان می‌نوازد، نماد علم به تاریخ و تمام نمودهای آن می‌باشد. ارتباط نزدیک  
و صمیمی با مردم یکی از وظایف و مسؤولیت‌های مهم او است. این طبل زن باید آواز، شعر،  
حرکت و مانند آن را به خوبی بداند تا بتواند مخاطبان را شیفته خود کرده و از این راه جایگاه  
اجتماعی اش را ارتقاء بخشد.

این طبل، متعلق به فرهنگ فانت در غنا، حضور مادر باورانه در جامعه فانت اشاره می‌کند.  
سطح دراز آن به طبل‌های فونتم فروم (Fontom from) در قبایل آکان و فانت شباهت دارد. این  
طبل صاحب وجهه و اعتبار خاصی بوده و در مراسم سوگند یاد کردن رئیس قبیله به کار می‌رود.  
رئیس در پیشگاه پیران قبیله و طبل‌ها قسم می‌خورد که مسؤول خوب و شایسته‌ای باشد. سپس  
طبل‌زن‌ها آهنگ جنگی می‌نوازند تا حرکات رئیس قبیله را همراهی کنند. این عمل، همبستگی  
و اتحاد اعضای قبیله را تحکیم بخشیده و قدرت قبایلی را که رئیس جدید برگزیده‌اند به رخ  
دیگران می‌کشند. بر اساس شواهد موجود، چوب طبل را از درخت سروی به نام توانبوا  
(twnboa) تهیه می‌کنند که به باور افراد قبیله قدرت معنوی دارد. گیره‌ها و پوست حیوانی طبل  
را نمایانگر جهان معنوی می‌دانند. همچنان‌که بر شدت حرکت افزوده می‌شود ارتباط با جهان  
معنوی افزایش می‌یابد و ممکن است به حالت خلسه منجر شود.

در اینجا شاهد تأثیر متقابل طبیعت، مراسم آئینی، موسیقی و جهان معنوی هستیم. قبایل افریقایی  
آن است موسیقی و صدایی را که تولید می‌کند موجودیتی در خدمت جامعه محسوب می‌کنند.



## گنگ‌ها و قاشق‌ها

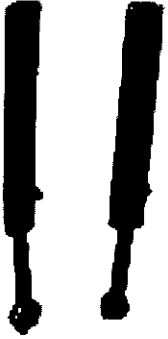
گنگ شکاف‌دار (Slit Gong) قطعه مقدس استوانه‌ای چوبی است که بر سمت دیگر آن یک شکاف طولی ایجاد شده است. استوانه را به لبه‌های شکاف، با یک لبه ضخیم و لبه دیگر نازک، می‌زنند تا دو یا چند صدای «دنگ» تولید کند (برینکارد، صفحه ۱۹۷). این آلت موسیقی یک وسیله بی‌نظیر است که بدون نیاز به اتصال لوازم دیگری از قبیل سیم، در اثر تکان دادن صدای دلخواه به گوش می‌رساند. ظاهر گنگ چوبی به انسان شبیه بوده و بسیار سنتی است. معمولاً آن را از چوب ماهون یا آبنوس می‌سازند. هر چه کیفیت چوب بهتر باشد صدای بهتری از خود به وجود می‌آورد. گنگ‌ها در مراسم به عنوان ضرب‌های متن (background rhythms) ارکستر به کار می‌روند و اغلب به دنبال ضربه‌های طبل زن اصلی نواخته می‌شود. در قبایل آکان، گنگ‌های چوبی عمدتاً برای همراهی با سازی دیگر برای خلق تجربه‌ی ماورایی از ترکیب طبیعت، موسیقی و جهان معنوی استفاده می‌شوند. ویژگی‌های خاص سبکی گنگ به دیگر مجسمه‌های افریقایی شباهت دارد. حالت و ترکیب چهره و موها نشانه‌های سنتی زیبایی در افریقا است.

این نوع قاشق‌ها، متعلق به منطقه آسانت، به تصورات سنتی مردم افریقا از کاربرد تن به عنوان یک ساز ضربی اشاره دارد. آواز خواندن، قاشق زدن و حرکات موزون جنبه‌های اصلی نقش موسیقی در زندگی قبایل افریقا است. ارکستر موسیقی می‌نوازد و مردم آواز می‌خوانند، و حرکت می‌کنند و قاشق می‌زنند. کنار هم قرار گرفتن اینها محیطی فراهم می‌کند که فضای مراسم آئینی را به یک فضای معنوی تبدیل می‌کند یا، مانند بسیاری از مراسم تدفین، مردم ساعت‌ها آواز می‌خوانند تا حس تدفین بر آن فضا حاکم شود. این قاشق‌ها که دست زدن انسان را تداعی می‌کنند در مراسم آئینی، اجتماعی و جشن‌ها حضور دارند. آنها نمادهای زن و تمساح هستند. هنرمند سازنده آن، نماد فرهنگ خویش را نقل کرده است.

## جفجغه‌ها و زنگوله‌ها

جفجغه از کدو قلیانی ساخته می‌شود. ابتدا کدو را زیر نور آفتاب خشک می‌کنند و سپس روی آن را با مهره و منجوق تزئین می‌کنند تا در اثر ضربه یا تکان دادن صدای «جرینگ جرینگ» بدهد. هنوز معلوم نیست که نقش و نگار و رنگ روی جفجغه نشان از چه چیز دارد. بنابراین حدس و گمان‌ها، کاربرد این آلات در مراسم رقص باران است. حرکت‌دهندگان جفجغه‌ها را بر روی کمر، گردن یا مچ پا می‌بندند. صدای «جرینگ جرینگ» با زیر و بم‌های مختلف، هماهنگ با ریتم حرکات است.

این زنگوله برنزی نمونه‌ای از زنگوله‌های افریقایی است که در نیجریه یافت شده است. آنها بیشتر در قبایل یوروبان، آگونو و لپه بو مشاهده شده‌اند. سطح برنزی زنگوله‌ها نشان از قدرت و توانایی رؤسای این سه قبیله دارد. می‌گویند که هر زنگوله نمایانگر یکی از نیاکان است و رئیس هر قبیله باید به نشانه احترام یکی از آنها را داشته باشد و پس از مرگ به دست پسرش بپردازد. پسر نیز به علامت احترام به پدرش آن را نزد خود حفظ می‌کند. آن را با حلقه و بند و به گردن می‌آویزند. ظاهر زنگوله با تصویر چشم و بینی آراسته شده است و اینها نماد زیبایی در قبیله یوروبا هستند.





### زندگی و هنر در قبیله کیونا

مری لین سالوادور، مردم‌شناس، دنیای هنرمندانه زنان کیونایی پاناما را بررسی می‌کند. زیبایی‌شناسی و زیبایی در چارچوب بیان و تفکر هنرمندانه موضوع اصلی پژوهش دراز مدت «مری لین سالوادور» است. کار در زمینه زنان کیونایی پاناما و لباس‌های سنتی آنها موجب شد تا سالوادور به هنرهای کلامی و تجسمی این قبیله، شناخت فرهنگی و اهمیت تحصیل به عنوان راهی برای حفظ استقلال، علاقه‌مند شود.

سالوادور، که در دانشکده مردم‌شناسی دانشگاه نیومکزیکو سمت دانشیاری داشته و مدیر موزه مردم‌شناسی ماکس ول دانشگاه یوان ام (UNM) است، به خاطر تحقیق عملی در مورد سائتروها (صنعت‌گرایی که از تصویر قدسیان نقاشی و مجسمه تهیه می‌کند) در شمال نیومکزیکو، پژوهش درباره زیبایی‌شناسی اجرای مراسم آئینی و سفر به قبیله کیونا و مطالعه زندگی آنها شهرت یافت او در مقام متخصص موزه، به تدریس و تحقیق اهمیت یکسانی بخشید. سرخپوش‌های قبیله کیونا در کومارکادو کونایالا زندگی می‌کنند، منطقه‌ای واقع در ساحل دریای کارائیب در پاناما مشتمل بر ۳۶۰ جزیره کوچک، با نام سن‌بلاس، و در نواحی ساحلی. برخی از آنان در کلون و پاناماسیتی نیز اقامت دارند کیونایالا از سال ۱۹۲۵ یک منطقه نیمه مختار در پاناما بوده است. این قبیله صدها سال مبارزه کرد تا از بهره‌برداری بیگانه‌ها و استفاده بیش از حد از سرزمین و سواحل اطرافشان جلوگیری کنند.

حفاظت از طبیعت و محیط پیرامون بخش مهمی از نظام باورهای کیونا است و مردم آن، مسافت‌های طولانی را به جهت تحصیل و آشنایی با جهان خارج می‌پیمایند چرا که به اهمیت زندگی و شناخت فرهنگشان آگاه هستند. سالوادور می‌گوید: «یکی از چیزهایی که طی ۳۰ سال اقامت در قبیله کیونا آموختم این بود که آنها قویاً به لزوم تحصیل و آموزش - در بین خودشان و نیز در مورد جوامع خارجی باور دارند».

تحقیق سالوادور متوجه مولار (Mola) ها می‌باشد، بلوزهای سنتی زنان کیونا، که همچون بوم‌های توضیح‌گر زندگی روزمره مراسم آئینی و اساطیر آنها را تصویر می‌کند. مولاها تکه -



دوزی‌های دست بافت پارچه‌ای هستند که به صورت لایه‌لایه و به شیوه منحصر به فرد زنان کیونا تهیه می‌شود آنها ظاهر متفاوت از هم دارند و به منظور بیان هویت فردی هر زن با دقت کامل بافته می‌شود. برخی مولاها داستانی را نقل یا رویدادهایی را به زبان تصویری بازگویی می‌کنند: یک مولا ممکن است زمینی لرزه‌ای را که در سال ۱۹۵۱ در پاناما رخ داده نشان دهد و مولا‌های دیگر از باورهای آئینی تا جشن‌ها، سیاست یا حتی از یک مسابقهٔ بوکس الهام گرفته باشد. تصاویری از کتاب‌ها، کارت تبریک‌ها، پوسته‌های سیاسی، قوطی‌های کورن فلکس یا هر چیز دیگری که در مغازه‌ها یافت می‌شود اغلب در طرح‌های مولا به کار می‌روند.

سالوادور پس از ۳۵ سال تحقیق در سال ۱۹۷۳ به ایالات متحده بازگشت و پایان‌نامهٔ خود را در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، درباره هنر زنان ارائه نمود او با مطالعه قومی-زیبایی‌شناسی مولاها راه را برای شناخت و درک بهتر معیارهای هنرمندانه از منظر هنرمندان، باز کرد. سالوادور مولا‌هایی را که مخصوص هر زن کیونایی بافته می‌شود به بحث می‌گذارد و از این رو مجموعهٔ استانداردی از ۱۲ مولا را که گستره‌ای از شیوها، نقش مایه‌ها، رنگ‌ها و مهارت‌های خیاطی را نشان می‌دهد که آن را در دستور تحقیق خود قرار می‌داد.

در دههٔ ۱۹۸۰ سالوادور مولا‌هایی جدیدی را به این مجموعهٔ استاندارد اضافه می‌کند تا نشان دهد که دگرگونی‌هایی در معیارهای هنرمندانه رخ داده است. این امر مصادف با دوره‌ای بود که زنان درباره موگان (mugan)، یا مولا‌های مادر بزرگ، با طرح‌های قدیمی سخن می‌گفتند. چنین رویدادی باعث شد تا تحقیقاتی در مورد مولا‌های تاریخی در کلکسیون موزه‌های ایالات متحده و اروپا صورت گیرد.

قبیلهٔ کیونا بر این باورند که کشورهای بسیاری فرهنگ، محیط زندگی، و تاریخ کیونا را می‌شناسند و این موجب خواهد شد تا به تلاش‌های مردم این قبیله در حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی ارج نهند. آنها برای حفظ و بقای این استقلال چندین سال با دانشمندان و محققین مختلفی همکاری کرده‌اند. قبیلهٔ کیونا در تلاش‌های خود برای گسترش قلمرو و حفظ آن به عنوان یک منطقهٔ حفاظت شده تحقیقاتی به موفقیت‌هایی نائل شده و توانسته است از دست-اندازی شرکت‌های ساختمانی و گله‌داران جلوگیری کند این قبیله به حفظ فرهنگ خود و در عین حال شناخت تاریخ و فرهنگ دیگر جوامع شدیداً باور دارند.

نمایشگاه «هنر کیونایی بودن»، بر اساس پژوهش میدانی ۳۰ ساله گذشته مردم‌شناسان، از جمله سالوادور، در موزه ماکسول برگزار شد. این نمایشگاه تصورات مردم کیونا در مورد محیط زندگی و باورهایشان نسبت به احترام به آفرینش و حفظ و مراقبت از زمین را به تصویر درمی‌آورد. در ضمن، تفکرات آنها را در باب زیبایی‌شناسی و رابطه زیبایی و فرم با نظام سیاسی و اجتماعی، ساختار خانواده و میهمان‌نوازی، مناسک و شفابخشی و نیز ویژگی‌های فردی را نشان می‌دهد.